



نظری به چند مقاله از دایره المعارف  
اسلام تألیف جمعی از مستشرقین

(۱۳)

دکتر محمود مهدوی

# آخرین سخن درباره تقیه

نسخهای گذشته این مقاله را در شماره‌های پیش خواندید، اینک آخرین قسمت آن

چنان رشید در «مادرتفسیر» العنار<sup>۱</sup> چنین می‌گوید:  
(۲) اما در تقیه شما مسلمانان است که از زبان  
و ساندن کفار به خود سیر هیرید و هرگاه بوالاتب  
کفار برای معوضه ماندن از ضرر حایر باشد بوالاتب  
با آنان برای جلب منفعت مسلمانان حایر است  
آنگاه مظلومی هم از طرف رشید صا اظهار گردیده  
است.

اما آنچه که آلوسی (متوفی ۱۲۷۰ ه. ق.)  
در تفسیر «روح المعانی» نوشته است قابل دقت و  
توجه بیشتری است هر چند که نگاهگاه سائنسی  
در گفتار او دیده می‌شود، او در آثار، روایات  
بسیار زیادی که نقل همه آنها موجب طولانی شدن  
بحث است، در لزوم تقیه حتی در مورد مال و  
عرض می‌آورد، منجمله این حدیث که «ما و فی

الامم ان قرآن که در قرن بیستم میلادی  
رشدگی می‌کرده‌اند آراء<sup>۲</sup> جانسور در این مسائل  
دارند. مثلا بطوری که اکثر خوانندگان محترم  
آنهاست مرحوم محمد جمال الدین القاسمی  
که در سال ۱۹۱۳ میلادی در گذشته است و تفسیر  
سیار ارزنده‌ای بنام «تفسیر القاسمی» نوشته  
است (۱) وی در ذیل آیه<sup>۳</sup> فوق چنین می‌نویسد:  
«از این آیه، مشروع بودن تقیه در مورد مخوف  
اساطی می‌شود و همه علمای اسلام به جوار آن  
فتوی داده‌اند.

مفسر بزرگ معاصر، شیخ محمد عبده.

۱- ج ۲ صفحات ۸۲۲ تا ۸۲۷ چاپ ۱۹۵۷

میلادی چاپ مصر

۲- ج ۳ ص ۲۸۰

به‌المومنین عرضه نه‌صودقه" ( آنچه مومنین به  
 پیشه‌آنها عرض خود را حفظ کند، در حکم صدقه  
 است) و این حدیث که " من عاثن سدار یا مات  
 شهیدا، نوا با موالکم اعراضکم و لصاح احدکم  
 لسانه عن دینه " ( هر کس در حال تقیه سرود  
 در حکم شهید از دنیا رفته است، با موال خود،  
 عرض نان را حفظ کنید، و هر یک از شما با زبان  
 خویش، دین خود را بگنجدارد) و ضمن تقسیم  
 تقیه بدو نوع نگاهارکافران و گاه از فاسقان باید  
 تقیه نمود نگاهار اعتراض به شیعه می‌گنجداند.  
 خوانندگان عزیز توجه دارند که منافقات سیاسی  
 میان دولت سعی ایران و دولت عثمانی با توجه  
 به نیروی استعمار، مناسباتی بوده است که این  
 مرد بدون رعایت انصاف به شیعه بی‌تازد و عجا  
 که گفتار معتد و طوسی، دو پرچمدار شیعه را  
 چنانکه باید و باید بخل می‌گند و بدون هیچگونه  
 عدلگی، می‌نویسد که باره‌ای از علمای شیعه تقیه  
 اظهار کفر را در کمترین خوف با در زمان کمترین  
 طمع واجب دانسته اند، کاش ایشان اشاره  
 می‌کرد که کدام عالم شیعی چنین نتوانی داده  
 است.

سبحان الله مگر این شهید اول و شهید  
 ثانی از علمای شیعه نیستند که در راه عقیده  
 شهید شده‌اند؟  
 یا مگر این کتاب " شهید الفصله "

۱- ص ۲۲ ذیل سؤال ۲۴  
 ۲- رساله المحاصرات حضرت آقا الله خویشی ص ۳۳۴

تألف علامه امینی صاحب " العذیر " در شرح  
 حال ۱۳۰ تن از عالمان و فاضلان شیعه نیست که  
 نوعاً در راه دین و عقیده‌های دینی شریعت شهادت  
 نوشیده‌اند؟

و مگر این شیخ طوسی نیست که در کمال  
 شرافت از بغداد می‌گردد و هجرت می‌کند،  
 هجرتی که در پی آن تا سپس دانشگاه بزرگ نجف  
 صورت گرفت.

و انگهی خود آلوسی در کتاب دیگر  
 خود که موسوم به " الاحیاء المرافیه " (۱) است  
 می‌گوید: من خود بعد از نماز جمعه در منزل  
 خویش نماز ظهر می‌خواندم و فلان ازین کسانی که  
 نماز جمعه را بصورت جماعت می‌خوانند بی‌تازد  
 سخنان تنگی می‌گند و بار می‌سخن گفتن می‌دارم ؟  
 آیا خود ایشان به غیر رفتار کرده‌اند ؟  
 و آیا ثابت است کسی که خود از خوف مضامین  
 خویش، حاضر نیست نماز جمعه را تحریم کند.  
 آنچنان بشیعه بی‌تازد؟!

در این جا سؤالی پیش می‌آید که آیا  
 رفتار بی‌امه و بنی عباس با ائمه شیعه و آل  
 ابی طالب بهتر بوده است یا رفتار حاکم دولت  
 عثمانی با آلوسی؟ خیال میکنم که کتاب " مقاتل  
 الطالبیین " یکی از بهترین مآخذ گویای رفتار  
 بی‌عیاس و بی‌امنه با علویان باشد. مگر رفتار  
 بنی عباس با آل عقی در نزدیکی مکه در دوره  
 سگین خلافت مهدی عباسی کمتر از رفتار

نخواه با آن خانواده بوده‌است؟ این وضع  
 همچنان در دوره هارون و امین و دیگر خلفای  
 عباسی ادامه یافته است (۳) همچنین می‌توان  
 در مروج الذهب صعودی و تاریخ شیری و سایر  
 مآخذ عمده تاریخ اسلامی سندهای آزارها و  
 شکنجه‌های بی‌عیاس را نسبت به آل علی  
 (علیهم السلام) مطالعه کرد. مگر موسی بن-  
 جعفر (ع) بحر حال و بحر صورت در زندان  
 بی‌عیاس رحلت نفرموده‌است؟ یا بر این آیا  
 نمی‌توان احتمال داد که بی‌توانی در زمین دوم  
 و سوم و چهارم هجری شیعیان و راهبران ایشان  
 بر طبق فاعده صیانت جان ناچار از تقیه  
 بوده‌اند؟

از بهترین کتابها که اخیراً در این  
 مورد نوشته شده است کتابی است بنام " الشحه  
 والحاكون " بقلم نویسنده توانا و عالم شیعی  
 لبنانی استاد شیخ محمد حواد معنی که فقط  
 برای نمونه یکی توضیحات از آن ترجمه می‌شود،  
 در صفحه ۱۴۶، چاپ دوم، که در  
 سال ۱۹۶۲ در بیروت چاپ شده است چنین آمده  
 است: " صعودی در چند سوم مروج الذهب چاپ  
 ۱۹۴۸، صفحه ۳۱۰ و تقریباً در کتاب النزاع و  
 التخاصم صفحه ۲۲ چاپ چاپخانه ابراهیمیه  
 چنین می‌نویسد: تصور دوانیقی خلیفه عباسی  
 فرزندان امام حسن را با داشت نمود و دستور

۳- کتاب مقاتل الطالبیین صفحات ۲۸۸ تا ۴۳۲  
 چاپ نجف

داد برحالی که حکومین و باغی ایشان را  
 زنجیر نهاده باشند، آنان را بر سران زمین  
 پالان به پایتخت آورند، چنی همان زمان  
 بزید با خانواده حسن بن علی شلیقه‌ای کشید  
 آنگاه ایشان را در زیر زمینی جانی که از تنگ  
 تاریکی شب و روز آن شخصی داده نمی‌گند  
 زندانی کرد حتی شناخت اولاد تاریک ایشان  
 دشوار گردید بطوریکه قرآن را از حفظ به سخت  
 بخش می‌خواندند و در پایان هر شب جزو نماز  
 می‌گزارند. بیشتر آنان در اثر رطوبت، مبتلا  
 به تورم پا گردیده و اندک اندک در می‌گنجدند  
 امام ششم شیعیان ماهمه عظمی که در  
 میان نوده‌های مختلف مسلمانان نداشت بعنوان  
 یک عالم بزرگ اسلامی نامی جانی نداشت آیا  
 اگر چنین مردم بزرگواری برای حفظ سنگره‌ای  
 آموزشی اسلامی، مدارا کردن پیشه سازند و  
 بهروان خود را در این شرایط سنگین که بدان  
 اشاره شد به تقیه امر نمایند کاری خلاف عقل و  
 سنت الهی نبوده‌اند؟ یا آنکه کتاب خدا بهر  
 تاویل و تفسیر حاکی از حوار تقیه است.

بهر حال از اینکه این مقاله و گفتار نسبتاً  
 باولایی شد پژوهش می‌طلبم. ایسا نمونه‌ها فی  
 فقط از یک حرف نهجی دائرة المعارف بعضی  
 حرف " ت " بود. و هرگونه و کنار این کتاب را  
 که مگر به مقالات مربوط به اعتقاد مذهبی خاصه  
 در مورد عقاید شیعه حالی از این اشناهاست فاحشی

بقیه در صفحه ۵۵

برفهای اطراف شاخ و برگشان خوب شده و از میان بوده برف قد علم می‌کند. فرانس بر این اعتقاد است که گیاهانی که این چنین دقیق و صریح به جهان خارج پاسخ می‌گویند باستانی یک وسیله ارتباطات داشته باشند. هر چند که نباتات، به بی حسیتی سپهراند. اما این حقیقت آشکار شده است که این موجودات قادر به تمیز صداها هستند که برای گوش انسان ناممکن است و نیز مواردی دیده شده که گیاه صادر به تشخیص طول بویح رنگی مادون قرمز و ماورا بنفش بوده است که این هر دو برای چشم انسان غیر قابل رویت است. همچنین حساسیت ویژه گیاه به اتحه مچلول، و در مقابل فرکانس‌های قوی تلویزیونی، نایل گندگوست انطور که فرانس یادآور شده جهان گیاهی مسئول حرکت زمین و ماه در منظومه شمسی است. روزی خواهد آمد که دیگر سیارات و اجسام سلولی را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد.

در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۷۰ توجه دانشمندان به سوی حقیقت زندگی گیاهان عالم جلب شد. هر چند افرادی بودند که در گام نخست باور نداشتند که نباتات حاصل

آموزش موزیک و مافوزیک اند. امروز نتواند گویایی دال بر زندگی نباتات، نفسان و نحوه ارتباطشان با محیط بیرونی، وجود دارد. تنها ماهسیم

از محله داشتند

بغیه آخرین سخن درباره تفسیر

سببیت و مفهومی که اکثر خوانندگان گرامسی مدنقد و آگاهند، قسمتهای از قرآن، قسمتهای دیگری را تعبیر و تفسیر می‌نمایند و برای یک خاورشناس، این تسلط، آرزویی است که محال است واقعیت بیوندد.

هدف اصلی از این تذکرات و اطالدهی کلام این است که اگر دانشمندان اسلامی خود فکر باشند پیشنهاد نماید لااقل ترجمه ای همراه با توضیحات کافی و پاسخ لازم از امثال این کتابها فراهم آید تا خوانان اسلامی و دانشجویان که گردانندگان آینده چرخ جامعه اسلامی هستند بیشتر و بهتر با حقایق اسلامی آشنا شوند.